



خون شریک

روایت زندگی شهید مدافع حرم، مهدی صابری
مریم علی بخشی

مقدمه {۷}

صفر / از سرزمین پالمیرا و زینبیه {۹}

یک / از آسیا {۱۹}

دو / از روزی که زاده شد؛ تا کوچه‌های خاک‌فرج {۳۱}

سه / از کنجدها تا شبِ دُختِ پُرافت محمد (ص) {۴۹}

چهار / از دلی که راضی نمی‌شد {۸۳}

پنج / از آقای مخابرات {۱۰۷}

شش / از قدم زدن در فاز آخر {۲۰۱}

هفت / از گردان آماجی‌ها تا معجزه خدا {۲۲۳}

هشت / از بالای بالای بالای ابرها {۲۸۱}

وصیت‌نامه {۳۴۷}

تصاویر {۳۵۱}

کتاب روایت زندگی میرزامهدی صابری، ثمره حدود ۶۰ ساعت مصاحبه با ۲۴ راوی است. از تمام راویان سپاسگزاری می‌کنم؛ از آن‌هایی که روایت‌شان تنها چند دقیقه کوتاه بود تا آن‌هایی که ساعت‌ها - در یک مورد حتی تا ۱۰ ساعت - صحبت کردند و بعد از آن هم به سؤالاتی که حین نوشتن برایم پیش می‌آمد، پاسخ گفتند. همه این راویان، همچون چراغ به‌دستانی بودند که هر یک به بخشی از زندگی مهدی و داستان سوریه نور انداختند.

کتاب، بر روی شالوده‌ای از همین سطوح روشن شده بنا شده، و برای همین دوست دارم روی «مستند داستانی» بودنش تأکید کنم؛ مستند، چون ماجرای ساخته نشده و همه چیز براساس همین اطلاعات راویان بوده؛ و داستانی، چون گاهی لازم بوده برای بیان این روایت‌ها، صحنه‌ای - البته نزدیک به واقعیت - ساخته شود؛ یا اطلاعات چند راوی با هم ترکیب شود؛ یا ترتیب و توالی اتفاقات، بر مبنای تحلیل خودم از مصاحبه‌ها بیاید؛ مثلاً در دوران کودکی و نوجوانی مهدی یا حین عملیات که توالی زمانی ماجراها، ریزه‌ریز و جزئی در دسترس نبود.

همچنین سپاسگزاری می‌کنم از خالقان کتاب‌ها و فیلم‌های مستندی که خواندن و تماشایشان، به فهم بهتر بخش‌های مربوط به سوریه کمک کردند و گاه حتی در حد یک جمله، اطلاعاتم را تکمیل یا تصحیح کردند؛ از کتابی مثل «مصطفی و مرتضی» تا مستندهایی همچون «بالای بالای ابرها»، «فاتحان فردا»، «آغازی بر یک پایان»، «ردی از یک مرد» و ... در نهایت اشاره می‌کنم به نام کتاب که کلمه‌ای است که اولین بار آقای محمدسرور رجایی، شاعر، نویسنده و پژوهشگر افغانستانی، در مورد رزمنده ایرانی و افغانستانی در جنگ تحمیلی به کار برده‌اند. جا دارد به ایشان برای خلق این واژه ادای احترام کنم.